

# پلخمون

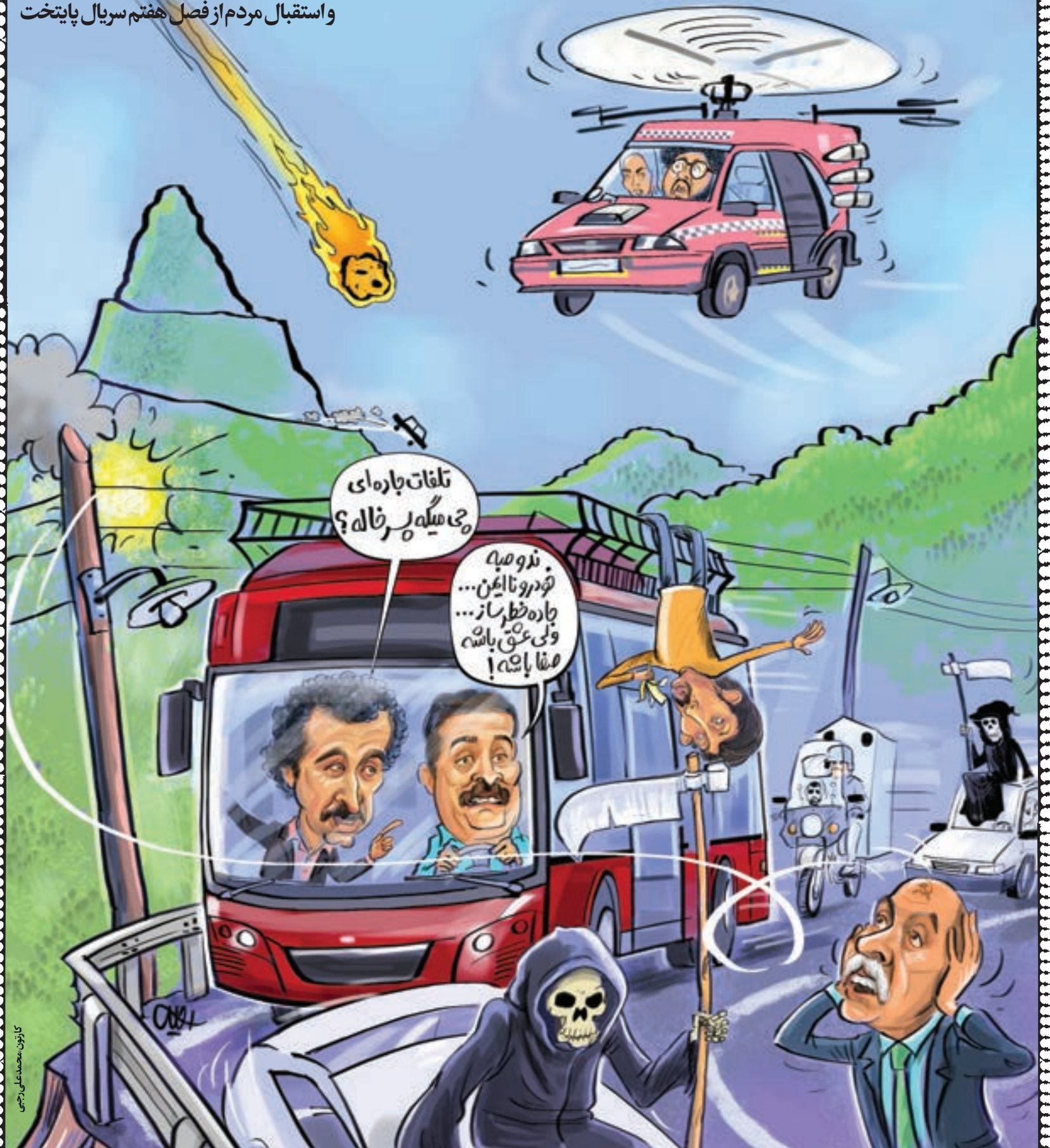
شماره ۱۳۴

شماره روزنامه ۴۴۶۳  
شنبه ۲۳ فروردین  
۱۴۰۴

ضمیمه طنز  
و کاریکاتور  
روزنامه شهر آرا



در حاشیه تلفات جاده‌ای نوروز  
و استقبال مردم از فصل هفتم سریال پایتخت



کارتون: محمدعلی رحیمی

خلاقیت در  
به کارگیری  
امکانات دولتی

کبر کی / صفحه ۴

خاطرات نوروزی  
یک مسئول مخلوع

میشه ایچور بره؟ / صفحه ۲

ای دکل که می روی  
به سویش!

**ای رکن که می روی به سویش!**



**فروردین ۱۴۰۴:** در حالی که فروشگاه‌های آنلاین و آفلاین فراوانی فرت و فرت دارند خاک جزیره هرمز را مثل نقل و نبات می فروشند، اداره محیط زیست از گردشگرانی که خاک این جزیره را با خود برده اند، خواست آن را به نشانی بندرعباس، روبه روی ساختمان استانداری هرمزگان، اداره کل حفاظت محیط زیست استان هرمزگان پست کنند.

**اردیبهشت ۱۴۰۴:** ستاد تنظیم بازار از کسبه محترمی که در ایام نوروزگران فروشی کردند، درخواست کرد آن پول اضافه را که از مردم گرفته اند، رد کنند بیاید. هرچه بیشتر گرفته اند، پیش از پایان ساعت کاری مراکز پستی آن را داخل پاکت بگذارند و به ستاد تنظیم بازار پست کنند. همچنین حتما روی این پاکت‌ها مرقوم بفرمایند مربوط به اضافه دریافت فروش شب عید.

**خرداد ۱۴۰۴:** وزارت نفت از کسانی که اشتباهی دکل نفتی را برداشته اند، خواست مثل بچه آدم دکل را داخل یک بسته پستی بگذارند و آن را با پست پیشتاز به نشانی تهران، خیابان طالقانی، تقاطع خیابان حافظ، ساختمان وزارت نفت، بخش دکل‌های گم شده پست کنند.

**مرداد ۱۴۰۴:** وزارت بهداشت از شهروندان ایرانی که در فرودگاه‌های بین‌المللی با چپس سوار هواپیما شدند و از کشور خارج شدند، درخواست کرد برای سلامت ریه هم وطنان چپس خود را در مقصد باز نکنند و آن را با پست به نشانی این وزارتخانه بفرستند تا شاخص آلودگی هوا کاسته شود.

**شهریور ۱۴۰۴:** بانک مرکزی از مختلسان مخلصی که پول اختلاس کرده اند، خواست مبالغ اختلاسی خود را همراه کس‌هایی که دور اسکناس‌ها بوده است، به نشانی این بانک بفرستند و روی آن بنویسند از طرف م.خ (یا هر مخفف اسم دیگری که دارند).

**مهر ۱۴۰۴:** وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از دانشجویانی که فرار مغزها کرده اند، خواست مغز خود را که در ایران پراز علم و دانش شده است، برگردانند؛ به این صورت که مغز خود را با پست سفارشی به ایران، تهران، خیابان پیروزان جنوبی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بفرستند. این وزارتخانه درباره معده‌هایی که در سلف‌های دانشگاه‌ها بدون مارمولک یا با مارمولک پرشده است، واکنشی نشان نداد.

**فلفل بریز تا اوقات تلخ نشه!**

● مرد! مگه قراره نتیجه مذاکرات امروز روی قیمت فلفل هم تأثیر بذاره که رفتی این همه فلفل خریدی ریختی گوشه حیاط؟! نه ییره! مشغُل مَبه‌ای اگر فکر کنی مو خنتمه رفتم و بری پول ای فلفلار خریدم. مگر نمیدنی که مو چقدر به جاذبه‌های گردشگری میشد علاقه دزم؟

● خب این چه ربطی به فلفل خریدن داره؟ نکنه تا زگیل فلفل هم مثل شله از جاذبه‌های مشهد شده؟!

● بگا کن! اولندش با شله شوخی نکن که اوقاتم تلخ میره و باهت کله و ننگ مُرم، بعدشم مگر نشفتنی که

ای مسافرایی که تو عیدی و رخواستن

رفتن به او جزیرگه هرمز، ایقدر از

خاک اونجه رلوگه کردن و رختن

تو خلیطه و سلّه و نایلن و با

خودشادرین شهراشاکه دگه

جزیرگه عین کله کل رفته و

یک خردویم خاک به اونجه

نمنده و اداره محیط

زیستشاورداشته گفته جان

ماداراتا وردرن خاکا ر پس

برفستن؟!

● آره، شنیدم، ولی بازم ربطش

رو با فلفل خریدن تو نفهمیدم!

جونت بالا بیاد مرد! بگو دگه

منظورت چیه؟

● ربطش ایه که مدیر مجموعه آرامگاه فردوسی

گفته: «از ۲۵ اسفند تا ۱۵ فروردین حدود ۹۵ هزار نفر ایرانی و

۳۵ هزار نفر خارجی از آرامگاه فردوسی بازدید کرده اند». ختمنی

همیقدرم از آرامگاه نادر و پارک وکیلآباد و کوهسنگی و پارک

ملت و جاهای مقبول دگه ی فرهنگی و تاریخی و طبیعی میشد

دیدن کردن. اگر هم هرکود و میشا بخن اندزه یک جوز از خاک

اینجه وردرن با خودش بگرن. دگه هیچه از خاک میشد بزما

نیمانه، بری همیم و رخواستم رفتم ایقدر فلفل گیرفتم که کله

گنم سمت همه جاهای دیدنی میشد و ای فلفلار پاش بُدم رو

زمیناشا تا هیج که نتونه خاکشار لوگه کنه بُیره و هرکی بچه بزشا

دست بزنه، تا اونجش بوسوزه و جاذبه‌های گردشگری میشد از

شرای گردشگرای نابودگر جون سالم به در بُیره.



صفحه ۲  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴  
شماره ۱۳۴

**ورود معاون اول رئیس جمهور به مشهد**



۱ پس دوراتون رو زدن، شب بیاین، بچه‌ها شله بار گذاشتن با کوکا دوهم بزیم قریان.

۲ قریون دستت، چندتا سطل هم برای عراقچی کنار بذار. سرویس کرده این قدر سپرده شله بوم، می خواد امروز یا خودش بیره مسقط، اونجا سوز بده به این آمریکاییا.

**مجلس شورای اسلامی**



۱ پرابد بشمی، باربند گل گیر رنگ، مال کدوم (بووق) روی پل گذاشته؟ الان که زدم پنچرش کردم، می فهمه...

۲ پنچر چیه داداش؟ صبوری، وفاق، مذاکره! جرنده جون داداش، اومدم...

**اولین نشست خبری سخنگوی دولت با خبرنگاران در سال جدید**



جسارتا این صد تومن عیدی سرکار معادل چند دلاره؟

الان که دقیق یک دلاره، ولی خب تگه دارین ایشالابعد مذاکرات رشد می کنه، به قیمت می آد.

**مجلس شورای اسلامی**



۲ حالا می خواد ویزیت ما رو پیچونی، فدا سرت، ولی رحمت پایتخت نیستم که کل دستگاه‌های تشخیص قلب و عروق رو ببندم پشت مونورم پیام مجلس، قریونت برم.

۱ دیدی لامصب یک روز هم توی کانال نود نمودن؟ باز برید صد... قند رو گرفتی، به فشارخون و تست ورزش هم بگیر داداش بی زحمت، اکو چی؟ اکوی قلب سریایی نداری؟ اعصاب نداشتن پرامون این مسئول!

## قطعی برق عارفانه

عکس روی تو چو در آینه جام افتاد  
عارف از خنده می در طمع خام افتاد  
حسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد  
این همه نقش در آینه او هام افتاد  
زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت  
کان که شد گذشته او نیک سرانجام افتاد

حضرت لسان غیب در مصرع اول اشاره دارد به اینکه باز هوای برجام شده و مذاکرات و این چیزها و در مصرع دوم اشاره مستقیم می‌کند به جناب عارف، معاون اول رئیس جمهور محترم که به خاطر این حال و هوا سرخوش و از خود بی خود شدن و فرمودن امسال شاهد ناترازی برق نخواهیم بود!  
در بیت دوم خواجه دست از سر جناب عارف برنداشته و ادامه داده که حالایه تعریفی از خودتون کردین و گفتین زن خوب هستین، چرا جوگیر شدین و دچار او هام شدین؟ (یعنی ای استاد برق دانشگاه، قطعی برق هارو نمی بینی؟!)  
در بیت بعدی جناب حافظ به کنایه می‌گه نکنه واقعا فکر می‌کنین این قطعی برق ها به خاطر ناترازی نیست و تقصیر شمشیر، پدر داماد نقی معمولی و افتادان کلاه گیسش روی کابل های برقه و سرانجامش خوبه و خود به خود درست می‌شه؟! ها؟!!



در حاشیه مذاکرات غیرمستقیم امروز ایران و آمریکا

مذاکرات خیلی غیرمستقیم

نماینده عمان: آقایان جواب نامه اول روداد، گفت نمک باشکر؟ کدوم رودوست دارین؟

ترکیه: یعنی چی؟! 😊

ایران/سنگ: ایول، ایرانیای خیلی غیرمستقیم دارن پیام می‌دن، گفتن ببینیم آخرش دوست داریم شیرین باشه (توافق) یا شوریشه (تقابل).

ترکیه: به به! باریکلا! بگو شیرین بهشون حاجی.

ایران/سنگ: چی می‌گین دیوونه‌ها؟ اینا کارشناس آشپزی یا خودشون آوردن، دارن حلیم درست می‌کنن، گفتن حلیم رو باشکر می‌خورین یا نمک.

ایران/سنگ: من رودست انداختن؟ 🤔 نماینده عمان، اونجایی بهشون بگو که نیان مستقیم این ور با من مذاکره کنن، بهشون از دیگوارسیا حمله می‌کنم.

ترکیه: قربان، پیام روز سوئدم، ایرانیای گفتن با کارشناس امور تخریب عمرانی شون هماهنگ کنن، جواب می‌دن.

ترکیه: آخ جون! ترسیدن! 🙄

ایران/سنگ: نه، فکر نکنم. چون گفتن می‌خوان ببینن اگه شما حمله کردین، چه جوری بزمن همه پایگاه هاتون رونا بود کنن.

ایران/سنگ: اینا دیگه کی هستن؟! 🤔

ترکیه: تازه یک شهرام دبیری نامی هم داشتن، گفتش بلیت ارزون دیگوارسیا توی دست و پالتون دارین یا نه؟ می‌خواد تا قبل تخریب اونجا یک سفری بره بنده خدا، خیلی عشق سفره ظاهرا.

ترکیه: من هرکسی رو این قدر تهدید می‌کردم، الان از ترس به پام افتاده بود، اینا چرا این جور هستن؟! 🤔

ایران/سنگ: آقایان پیامی کن مذاکرات غیرمستقیم نیم ساعت به خاطر خوردن حلیم تعطیله، پیام ندین.

ترکیه: خاک توی سرما کنن با این شرایط مذاکره قبول کردنمون! 🙄

صفحه ۲  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴  
شماره ۱۴۴

## درآمدزایی بالگردی

غیر معمولی است؟ اینکه صداوسیما  
بالاخره یک برنامه‌اش جذاب دریابید،  
غیر معمولی نیست؟

**متفاوت ترین جریمه هفته:** اعلام شد «رها بودن یا در آغوش گرفتن حیواناتی نظیر سگ و گربه یا سرگرم شدن با آن‌ها در حین حرکت وسیله نقلیه» جریمه‌ای معادل ۵۰۰ هزار تومان دارد. یعنی شما چه حیوان را توی ماشین بغل کنید، چه توی ماشین ولش کنید، جریمه خواهید شد. تنها راه این است که سوارش نکنید و نشانی بدهید خودش پیاده بیاید.

**تمشکی ترین پلخمون هفته:** همان طور که می‌دانید، از پرواز بالگرد هلال احمر برای خشک کردن زمین چمن ورزشگاه تختی خرم‌آباد استفاده شده است. طبق اعلام سایت مشرق، برای پانزده دقیقه پرواز، ۱۵۰ میلیون تومان پول واریز شده است و لذا تمشک طلایی را هم به خودمان می‌دهیم که توی ۱۰ ماه، اندازه ۱۵ دقیقه یک بالگرد درآمد نداریم!

**هوشمند ترین مصنوعی هفته:** بیل گیتس گفته است پس از آمدن هوش مصنوعی در سال‌های آینده هفته‌ای فقط دو روز کاری خواهیم داشت. مثل اینکه ایشان خبر ندارد ما قبلاد در زمستان گذشته نیز فقط دو روز کاری در هفته داشتیم، آن هم زمانی که هنوز دو روز کاری داشتن مد نبود!

**نامشهود ترین مشهود هفته:** دقیقا همان روزی که بخش عمده‌ای از مشهد دچار قطعی برق چند ساعته شد، عارف، معاون اول رئیس جمهور که در خراسان رضوی بود، گفت: «امسال شاهد ناترازی نخواهیم بود». می‌گویند یک استاد منطق به دانشجویانش این تکلیف داد که ثابت کنند این صندلی که او رویش نشسته است، وجود ندارد. بهترین نمره را کسی گرفت که گفت: کدام صندلی؟! 🤔

**غیر معمولی ترین معمولی هفته:** اعلام شد سریال نقی معمولی باعث شده است مصرف اینترنت در ساعات پخش آن به کمترین حد خود برسد. حالا شاید بگویند کجایش

## شرکت جوارب‌های سوراخ دار را سرمایه‌گذاران منتابستان ۲۰۲۵ عرضه می‌کنند

زیر خط فقر از خود بیخودیم  
چون که در یک چیز ما اول شدیم  
آی یارو! بیخودی قبی نیا  
سال‌ها ما پیش‌تاز این مُدیم!

### افزایش مشقی وام مسکن

ندارد فرق، نو یا که کلنگی ست  
نمایش آجری یا اینکه سنگی ست  
اگرچه وام خانه هست مشقی  
بهای آن ولی بد جور جنگی ست!

### ایران ۹ برابر همسایگانش تلفات جاره‌ای دارد

مرگ‌هایی به شیوه‌ای مرموز  
جان شده نرخ ده گرم چلغوز!  
خودکشی شاخ و دم ندارد که  
مرگ خواهی برو سفر نوروز

### کشف ۵۰ دستگاه استخر غیرمجاز رمنارز در یکی از نیروگاه‌های استان

صبح سحر داد خیر قاصدک  
باز ز دزدی و فساد و کلک  
از خود شرکت بشود برق، غیب؟!  
وای به روزی که بگندد نمک!

# خاطرات نوروزی یک مسئول مخلوع

در خبرها آمده بود که معاون رئیس جمهور پس از افزایش سفرش به دیار پنگوئن ها و سپس تکذیب و تأیید و تأخیر و تأکید... خیلی ضربتی توسط رئیس جمهور تنبیه و از کار برکنار شد. با توجه به اینکه دسترسی به وی سخت بود و اگر دستمان به ایشان می رسید هم قطعاً جوابمان را نمی داد. تصمیم گرفتیم این بار برخلاف همیشه، به طور خیلی تخیلی روزنوشت های این مسئول خلع شده را با هم مرور کنیم.

## سفر لاکچری

از دهنم دررفته بود و به عیال قول داده بودم که امسال یک سفر لاکچری ببرمش. زد و معاون رئیس جمهور شدم. حالا نمی دانم برویم یا نه. از یک طرف قول داده ام و جرئت ندارم بزنم زیر قولم. از یک طرف ممکن است کارم داشته باشند. حالا چند روز که هزار روز نمی شود.

## باهم برویم قطب

عیال می گوید حتما باید سفر خارجی برویم. خودم هم بدم نمی آید، ولی گفتم همه جای دنیا را که دیده ایم. هنوز حرفم تمام نشده بود که گفت برویم قطب جنوب! گفتم مگر آنجا آدم می رود؟ بلافاصله توی گوشی اش نشان داد که تور هم رزرو کرده است. از آژانس زنگ زدند که برای تسویه بلیت تور بروم. قیمت را که گفتند، برق از سرم پرید. به عیال زدم که چه خبر است؟! خندید و گفت «تو که داری، خرج کن.» امان از دست این خانم ها.

## شهر مامانی

از شانس بدم امروز یک خبرنگار خفتم کرد و پرسید سفر کجا خواهید رفت. مجبور شدم بگویم به شهر مادری خواهیم رفت. حالا برای اینکه حرفم دروغ نشود، اول یک سر به شهر مادری می زنیم، بعد از آن می رویم قطب.

## استوری اش کن

جای شما خالی، عجب سفری است. عیال گوشی به دست دائم در حال عکس و فیلم گرفتن و استوری و پست گذاشتن است. هی می گویم بس است، می گوید این استوری را هم بگذارم که چشم خانم همکارت در بیاید... این یکی هم برای جاری ام... این یکی برای خواهرت... بساطی داریم.

اصلا نگران درز عکساش نباشین، خودمون اینجا عکس مناسب براتون می گیریم!



کارتون: سعید صالحی

## پول خورم است

به دلم افتاده بود که آخرش این سفر شرمی شود. یکی از عکس ها به دست خبرنگاران رسیده است و همان را پرچم کرده اند. یکی نیست بگوید خب بابا جان با پول خودم رفته ام. پول زحمت کشی که برایش عرق جبین ریخته ام.

## امان از شایعات

کار دارد بیخ پیدا می کند. اول خودم سفر را تکذیب کردم، بعد به روابط عمومی معاونت پارلمانی گفتم اعلام کنند این ها خیرسازی و شایعه است و سفر آقای معاون به قطب صحت ندارد و تصاویر منتشر شده قدیمی است. آن ها هم آن قدر جوگیر شدند که گفتند اصلا آقای معاون صبح اینجا بوده است!

## خطای عملگری

فایده ای ندارد. گندش درآمد. می گویند در این وضعیتی که طبق آمار ۶۰ درصد مردم در نوروز حتی سفر با چادر هم نرفته اند، این سفر لاکچری ما درست نبوده است. عجب گیری کرده ایم. مردم پول ندارند سفر با چادر بروند، خب با تور بروند و در هتل اقامت کنند. این چیزها را هم ما باید یادشان بدهیم؟ دست مسعود درد نکند که از کار برکنارم کرد! مزد رفاقت چند ساله را خوب کف دستم گذاشت؛ آن هم فقط برای یک سفر چند میلیاردی ناقابل. من هم یک نامه خدا حافظی نوشتم و گفتم به رغم اینکه هیچ گونه خطای عملگری نداشتم، می روم. عیال هم استوری گذاشت که مردم حسود و ندید بدید هستند. اقلا حرصمان را خالی کردیم!

صفحه ۴  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴  
شماره ۱۳۴

## راهنمای پارک حرفه ای در کلان شهرها!

فرهنگ شهروندی  
فرزانه زینلی



☆ پارک دوبله طور ماشینت رو دوبله پارک کن و با خیال راحت برو توی صف شله واستا!

☆ جلو در پارکینگ مردم جلو هر دری می شه پارک کرد، مگر اینکه خلافت ثابت بشه! محض احتیاط شماره بذار... البته توی داشبورد، زیر یه عالمه کاغذ.

☆ پیاده رو، پارکینگ وی آی بی عابر پیاده ها می تونن از توی خیابون برن، ولی تو نمی تونی توی خیابون پارک کنی!

☆ اشغال استعدادهای خاص جوری پارک کن جان نشه!



# راهنمای جامع سفر

هر چند فصل مسافرت گذشته است، ولی با توجه به درپیش بودن تابستان و البته نوروز سال آینده که با چشم به هم زدنی خواهد رسید، براساس اتفاقات رخ داده در سفرهای نوروز امسال، بد نیست یک راهنمای جامع برگزاری سفر را خدمتتان تقدیم کنیم.

## لباس و آرایش سفر

برای سفر باید لباس مناسب پوشید. اگر به شمال می‌روید، آقایان حتما شلوارک (ترجیحا راه‌راه و زیر زانو) و اگر به جنوب می‌روید، حتما لباس‌های گشاد بپوشید؛ مثلا شلوار سنبادی، باتی شرت لش و رویش یک پانچو. یک دستمال هم به سرتان ببندید. هر خنزر پنزری هم که دارید، به خودتان آویزان کنید. برای آرایش هم برنزه مد است. با حنا روی دست‌ها. ساز فراموش نشود. برای سفر به سمت شمال کشور، ترجیحا گیتار و برای جنوب حتما هنگ درام (از این ماهیتابه‌های فُری که چپه روی زمین می‌گذارند و به آن می‌زنند).

## ملزومات سفر ایگان

برای سفر به یاد داشته باشید که حتما همه چیز، از آب گرفته تا نان خشک و برنج و پلوپز و تون ماهی و کنسرو و میوه بردارید که مبادا خدای نکرده مجبور شوید در شهر مقصد خرید کنید و سودی به میزبان برسانید. حتی هتل و اقامتگاه و بومگردی هم نروید. هر جا گیر آوردید، چادر بزنید. اگر چادر ندارید، چادر شب رابه درخت ببندید. حیف نیست آدم به مسافرت برود و از فضای باز استفاده نکند و پول خرج کند؟

## شهر آن‌ها، خانه خورشان

چون از قدیم گفته‌اند شهر ما، خانه ما، پس شهری که به آن سفر کرده‌ایم، خانه ما نیست و می‌توانیم هرکاری که دلمان می‌خواهد و عقده شده است برایمان، در آنجا انجام دهیم. خصوصا بچه‌ها را آزاد بگذاریم تا از



کارتون: شهرام شیرزادی

نکنید. البته که سوغاتی‌هایی باید ببرید که لازم نباشد پولی بابتشان بپردازید. مثلا انواع بذر گل و گیاه، سنگ‌های آثار باستانی، صدف و ستاره دریایی و مرجان، شن و ماسه ساحل و... هر چیز زیبایی که مفت باشد. اگر در فرودگاه یا بندر هم بیخ خرتان را گرفتند که این چیزها را کجا می‌برید، بگویید «عه، این صدفا رو کی ریخته توی ساک من؟! یا «خاکا برای مصرف شخصی، می‌برم که بریزم به سرم.»

## یادگاری از خورجا بگزارید

برای اینکه عذاب وجدان تخریب محیط زیست نداشته باشید هم زباله‌هایتان را به جای چیزهایی که برای سوغاتی برداشته‌اید، باقی بگذارید، از پوست چپیس و پوشک بچه گرفته تا بطری آب و قوطی نوشابه، تا صدف‌ها و کرم‌ها و لاک پشت‌ها و خرچنگ‌ها و ماهی‌ها احساس غربت نکنند و بی‌خانمان نمانند.

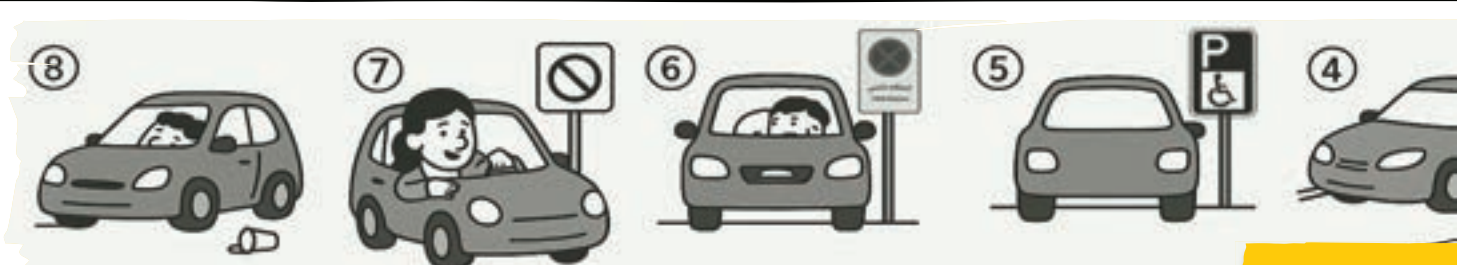
دار و درخت بالا بروند و گل و چمن‌ها را گدمال کنند و از همه مهم‌تر روی بناهای تاریخی و آثار باستانی نام زیباییشان را به یادگار حک کنند.

## چی گفتی؟! درست است که شهر آن‌ها خانه ما نیست، ولی باید هوای همشهری‌هایمان را در سفر داشته باشیم. برای همین با یک حالت جنگی، شش دانگ حواستان جمع باشد که مبادا کسی بگوید بالای چشمتان ابروست. مراقب باشید که کسی حق خودتان و قومیتتان را نخورد. اگر هم خورد، از خجالتش دریابید، چه با لگد، چه با قمه، چه با فلاسک.

## سوغاتی نشه فراموش

و مهم‌ترین بخش سفر یعنی سوغاتی را فراموش

صفحه ۵  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴  
شماره ۱۳۴



۸ زیاده‌دان سیار: ماشین خونه دوم ماست، آدم‌که نباید خونه رو کنیف کنه! بریز بیرون بره...

۷ پارک زیر تابلو «پارک ممنوع»: یه راننده حرفه‌ای نمی‌ذاره تابلو برایش جای پارک مشخص کنه!

۶ پارک توی ایستگاه تاکسی: تاکسی که برای کسی نمی‌ایسته، پس راحت پارک کن و برو!

۵ پارک در محل معلولان: آخه چال گونه هم معلولیت حساب می‌شه دیگه!

۴ دو جای پارک با یه ماشین: س می‌خواد که یه پراید رو نی که یه موتور هم کنارش

# کم بودن تعداد دانشجویان علوم پزشکی کاشان به مارمولک داخل غذایشان اعتراض کردند

صفحه ۶

یک مقام آگاه:  
صرفاً وقتی ماینرها غیر مجاز نیروگاه ها  
VAR داغ می کند  
برق خانه ها  
خاموش می شود

پزشکیان:  
نمی خواستم معاون پارلمانی خود را کنار بگذارم  
اما مردم و اعتقاد خود را بر دوستی ترجیح دادم  
که از قطب جنوب بر اتم سوغاتی نیارند باید برنار شود

عضو کمیسیون بهداشت:  
این قدر تعرفه های پزشکی  
در کشور ما پایین است  
که آدم رویت دارد  
همیشه مریض شود

انجمن آژانس های مسافرتی:  
به خاطر دانش دوستی مردم  
صتی زمان تعطیلات  
در نوروز هتل ها  
خالی بود،  
اما مدارس پر  
شدند

استفاده از قالبیاف:  
اسباب بازی هایی که عدم همکاری سه قوه مصرف می کنند  
باعث تشدید ناترازی ها می شود  
کاهش ۵ درصدی طلاق در مشهد  
با اجرای برنامه های فرهنگی  
بانک مرزی که مخرب افزایش قیمت سله شد

رئیس مجلس:  
عدم هماهنگی  
در خرید قواره پارچه  
منجر به تشدید  
ناترازی ها می شود  
درفاق سلوار نمایندگان

## بزرگه آرش آرایی

### در حاشیه جنگ تعرفه ای آمریکا و چین

۶ آقا من اشتباه کردم کل تعرفه ها رو حذف می کنم.



۷ ولی ما تعرفه های آمریکا رو دست نمی زنیم.

۴ ما هم برای آمریکا تعرفه وضع می کنیم تا حالشون گرفته بشه.



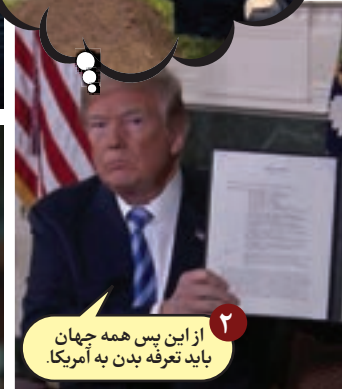
۳ چه کردم با اقتصاد جهان!



۱ آخ جون. ابرقدرت جهانم و الان می تونم از کل دنیا تعرفه بگیرم و حسابی سود کنم.



۲ از این پس همه جهان باید تعرفه بدن به آمریکا.



۵ اوه. دهنم سرویس شد باید برم مذاکره.



۸ خدا لعنتم کنه. این قدر سر تعرفه های چین همه چیز گرون شده که باید آژانس کارکنم بعد از کاخ سفید.



صفحه ۶  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴  
شماره ۱۳۴

## ناسوس فرشته شایان

شک ندارم چهار روز دیگر این چشم با دامی ها از جریان هوایی که از آن سوراخ وارد جوراب می شود، برق تولید می کنند. بعد هم جوراب کولردار وارد بازار می کنند. ببین چطور تهدید را به فرصت تبدیل کرده اند! احسنت! تردیدی نیست ملت نجیب ژاپن از ناترازی برق هم برق تولید می کنند!  
#التماس\_تفکر



وزیر نیرو

هرچه تلاش کردم که ریان شود، نشد. سفر این جانب به قطب جریک سفر کاری، علمی، تحقیقاتی، اکتشافی و مطالعاتی نبود. نتیجه تحقیقات میدانی بنده نشان می دهد پنگوئن ها مریض نیستند که آن طور تنگ تنگ راه می روند زبان بسته ها. آن ها هم درگیر همین جریان پارگی خشتک و کوتاهی فاق هستند متأسفانه. امید که با عادی سازی پارگی ها، آن ها هم به راه رفتن عادی خود در طبیعت بازگردند.



شهرام دیبری

شرکتی ژاپنی با عنوان «دیگر خجالت نکش» رسماً جوراب های سوراخ دار را برای فروش در بازارهای جهانی به عنوان مد تابستان ۲۰۲۵ عرضه می کند. (خبرفوری)



آیا از پارگی بعضی چیزها و جاهای خود رنج می برید؟ آیا به جز جوراب و خشتک وزیر بغل، خودتان نیز زیر بار زندگی پاره شده اید؟ نگران نباشید. شرکت دانش بنیان دوزندگی برادران دولت و شرکا، با تکیه بر دانش بومی با ارائه کالایرگ الکترونیکی نخ و سوزن برای رفع این جروا جری ها کنار شماست.



شرکت سوراخ بنیان پاره پژوه شرق



صفحه ۷  
۲۳ فروردین ۱۴۰۴  
شماره ۱۴۴



بگو خودش رو سیاه کنه!

سنی از من گذشته. سال هاست نه کسی به دیدنم آمده است و نه پای بیرون رفتن از خانه را داشته ام. همسایه پرفت و آمدم تنها دلخوشی من است، خانواده ای پراز فک و فامیل که هر شب بساط مهمانی برپا می کنند. من هم با چای و توت قیسی کنار دیوار روی مبل می نشینم تا ببینم درباره چی صحبت می کنند و گاهی مشارکت می کنم!

امشب هم دو نفر از فامیل را دعوت کرده اند آشتی بدهند. از پنجره دیدم. یکی که به خیال خودش قلدر است و آن یکی جوان و چهارشانه. می خواستم بیایم لب پنجره و از پلخمون دست سازم برای خوشامدگویی استفاده کنم و باز ببندم پای سپریچه های تخس محله. ولی خب به نظرم رسید با این دو تا نمی شود شوخی کرد! نشانی هم نپرسیدند که از همان پای پنجره راهنمایی شان کنم. چند دور، دور محله بچرخانمشان تا بدنشان ورزیده و خوب گرسنه شوند تا در مهمانی دلی از عزا درآورند!

خلاصه وارد خانه شدند. به نظر می آمد که یکی این گوشه و آن یکی آن گوشه نشسته است تاریختم همدیگر را نبینند. صاحب خانه می گفت آخر شما سر چی دعویاتان شده است؟ جوان گفت: «این آقا حرف زور می زنه.» مرد قلدر که از صدای زنجیر مشخص بود دارد آن را می چرخاند و مدام توی یک و یوز خودش می خورد، گفت: «کجاش حرف زوره؟! می گم تو بلد نیستی با پولات چی کار کنی. من خودم برات سرمایه گذاری می کنم!» جوان به صاحب خانه گفت: «بهش بگو

نسبت فامیلی مون سر جاش. ولی کار کردم. حقوقم رو می خوام!» مرد قلدر گفت: «گلی به گوشه جمالت. کی بهت کار داد؟ من!» جوان گفت: «وقتی به کل فامیل و دور و بر سپردی با من کار نکنن. مجبور شدم برات کار کنم.» قلدر گفت: «خب دستت رو نمی گرفتم که از بیکاری می افتادی به رفیق بازی و دود و دم.» جوان گفت: «بهش بگو رفقای ناباب با زغال نامرغوب و اسباب لهو و لعب رو خودش فرستاد تا گرفتارم کنه. حواسم جمع نبود. گیر می افتادم!...»

دیدم بحثشان تمامی ندارد. تلویزیون را روشن کردم. پایتخت را نگاه کنم. ولی تلویزیون داشت ساختمان ما و خانه بغلی را نشان می داد. زنده! گفتم نکند فتوشاپ و هوش مصنوعی باشد! تلویزیون را خاموش کردم، رتم پشت پنجره. دیدم همه جمع شده اند. آتش نشانی و اورژانس و هلال احمر و رسول خادم و پرویز پرستویی و دکتر نبی و خانواده رجبی و خود مهران رجبی هم آمده اند ببینند در نهایت این ها آشتی می کنند یا نه. رتم روی بالکن. دستی برایشان تکان دادم. ولی اشاره کردم که فعلا خبری نیست! فقط بمانید و نروید به کار و زندگی تان برسید، توقف شما کاسی ماست!

ترامپ:  
نمی توانم بگویم جلسه شبیه ما با ایران کجاست، ولی می توانم بگویم مستقیم است. (خبر آنالیز)

<p>جو بایدن: من نمی دانم چرا با اینکه ترامپ یک روده راست توی شکمش ندارد، ولی دنبال مذاکره مستقیم است!</p> 	<p>پلیس فتا: نمی توانیم بگویم چگونه پول دار شوید، ولی می توانیم بگویم راه مال باخته شدن کلیک روی پیامک های حاوی لینک مستقیم است.</p> 	<p>رئیس صداوسیما: نمی توانم بگویم تا کی حق پخش نمی دهیم، ولی می توانم بگویم دوتا از بازی های لیگ امروز پخش مستقیم است.</p> 	<p>وزیر جهاد کشاورزی: نمی دانم مسیر افزایش قیمت گوشت تا کجاست، ولی می توانم بگویم راسته گوسفندی نوعی گوشت مستقیم است.</p> 	<p>شهرام دبیری: نمی دانم محل کار بعدی من کجاست، ولی می توانم بگویم نصف انهار که قطب شمال را به قطب جنوب وصل می کند، یک خط مستقیم است.</p> 
---	--	---	---	---

## خلاقیت در به کارگیری امکانات دولتی

در حاشیه استفاده خلاقانه از بالگرد هلال احمر برای خشک کردن چمن ورزشگاه خرم آباد، ما هم با کمی خلاقیت، دیگر کاربری های کمتر شناخته شده از امکانات دولتی را شناسایی کردیم و به سمع و نظرتان می رسانیم.



امکانات امدادی



امکانات پزشکی



امکانات ورزشی



امکانات نقلیه



دیگر امکانات



امکانات دوربین های ترافیکی

## فرودین

فرودین ماه است ماه اعتدال موسم خندیدن هر نونهال فرودین ماه است گاه نوشدن وقت نسیان غم و درد و ملال فرودین ماه است ماه هرگلی نرگس و آلاله، یاس و پامچال ماه سلفی درکنار نسترن درکنار شاخه های پرتقال اولین برج از بهار دل نشین طبق تقویم قدیمی جلال فرودین ماه است همراهش دلار مزه کرده مرز یک میلیون ریال! اول سال است، برعکس همه شاد و شنگول اند بعضی از رجال آن یکی رفته ست تا قطب جنوب این یکی برگشته از قطب شمال آن یکی سرگرم فتح کوه آلپ این یکی گرم صعود از نپال ملت اما هر دهک سویی روند دست بر فرمان و پاها بر پدال یک دهک چون ما به سوی طرقله یک دهک اما به سوی مونترال عده ای مشغول صرف خاویار عده ای چون ما فقط چوب بلال! فرودین چون می رسد یعنی که سال نو شده، هر چند بر طبق روال... باز باید گفت آن ضرب المثل اینکه ای یاران، دریغ از پارسال من ولی فارغ ز هر اما اگر فارغ از هر شبهه و هر قیل و قال در همین جا آرزویی می کنم تا شود ممکن برایت هر محال تا نباشی باز همچون سال قبل با تورم یاگرانی، در جدال تا بدانی هست امسالت چه سان؟ من گرفتم از برایت باز فال پس رها کن غصه ایام را خوش نشین و باش آسوده خیال «بس بگردید و بگردد روزگار» فالت این شد، پس دگر هرگز منال «سال خرم، مال وافر، بخت رام» فکر فردا را نکن، دریاب حال

## شوخی

الهه آراتیان

الهی! تو را شکر که اگر چه منطقه زندگی مان وارد جدول قطعی های برق شده، ولی اعتبار کالابرقمان قطع نشده است.

## پلخمون

ضمیمه طنز و کاریکاتور روزنامه شهرآرا  
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد  
مدیرمسئول: سیدمجتب موسوی مهر  
سردبیر: سیدسجاد طلوع هاشمی  
دبیر ضمایم: ارزنگ حاتم  
دبیر پلخمون: مجتبی نخعی راد  
صفحه آرایی: ساعد عاشوری

پینک: ۳۰۰۷۲۸۱  
دریافت نسخه الکترونیک از: shahraraneews.ir